

اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران

دکتر منیژه نویدنیا*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

چکیده

تحقیق حاضر با تاکید بر الگوهای امنیت و توجه به کاربری فضاهای مختلف شهر تهران، وضعیت شهروندان را در فضاهای گوناگون شهر به حسب اولویت امنیتی آنان مورد بررسی قرار می دهد. امنیت وجودی، امنیت رفاهی، امنیت معنابخش به عنوان سه رکن اساسی امنیت شهروندان برآورد و تفاوت این ابعاد در مناطق مختلف شهر تهران مورد مقایسه قرار گرفته است. در این تحقیق از روش پیمایش استفاده شده است که طی آن با ۸۴۸ نفر از ساکنان مناطق مختلف تهران مصاحبه گردیده و برای تحلیل داده ها از آزمون F استفاده شده است.

یافته‌ها نشان می دهند که میزان امنیت شهروندان تابعی از اولویت امنیتی آنان در مناطق مختلف شهر تهران می باشد. چنانکه مناطق کسب و کار، بخش عمده فروشی و صنایع سنگین و سبک تولیدی، نیازمند امنیت وجودی بیشتر هستند، که به استناد الگوهای پوزیتیویستی قابل اجرا می باشد. در حالی که مناطق مسکونی، چه مناطق مرفه نشین و چه مناطق مسکونی حومه و فقیر نشین، بیشتر بر امنیت رفاهی تاکید دارند، که به پشتیبانی الگوهای سازه‌انگاران فراهم می گردد و مراکز فرهنگی و هنری، پارک ها و تفرجگاه ها، دانشگاه ها و مراکز آموزشی بیشتر بر امنیت معنابخش نظر داشته اند، که ابزارهای اجرایی آن در الگوهای پُست پوزیتیویست وجود دارد.

واژگان کلیدی: مناطق متحدالمرکز، قطاعی و هسته ای متکثر، مکتب پوزیتیویست، سازه انگاران و پُست پوزیتیویست، امنیت وجودی، امنیت رفاهی، امنیت معنابخش.

مقدمه

اهمیت نقش و جایگاه شهر در جامعه امروز بر کسی پوشیده نیست. گرچه در مدرنیته پیشرفته، اهمیت شهرها مورد تردید واقع شده است و کوچک زیباست، مورد توجه جهانی قرار گرفته است. در عین حال هنوز، اکثریت جمعیت جوامع در شهرها سکونت دارند و کم‌وکیف زندگی جمعی در گرو امکانات و تسهیلات شهرها رقم می‌خورد. بنابراین، لازمه داشتن زندگی رضایت بخش، برقراری آسودگی و آسایش افراد جامعه توجه به شرایط، امکانات، منابع و هم چنین کمبودها، کاستی‌ها در شهر و مناطق و محله‌های شهری است. در این راستا، امنیت از جایگاه قابل توجه‌ای برخوردار است، چرا که تضمین حیات و پایداری زندگی در سایه امنیت تحقق می‌گیرد. امنیت شهرها موجب آرامش

افراد شده و جریان امور زندگی در بستر طبیعی آن میسر خواهد بود. در واقع، شرط لازم برای حیات و زندگی شهری، امنیت است و هرچه شهرها ضریب ایمنی بالاتری داشته باشند، میزان تعاملات و مناسبات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بیشتر خواهد بود و بالعکس هر چه ضریب ایمنی شهرها کمتر باشد، افراد در فضای رُعب و وحشت قرار گرفته و سطح مراودات و مبادلات کاهش یافته و از نظر کیفی آسیب می بیند.

بنابراین، وضعیت امنیت شهرها از جمله شاخص های توسعه محسوب می شود که براساس آن سطح توسعه یافتگی ارزیابی می گردد. بدیهی است، شهرها از مناطق و محله های گوناگونی تشکیل شده است که هر یک از آنان دارای کاربری شهری مخصوص به خود هستند و ساختارهای متفاوت شهری را ایجاد می نمایند. چنانکه مناطق شهری را به لحاظ وضعیت اقتصادی- اجتماعی می توان حداقل به سه دسته بالا، متوسط و پایین تقسیم نمود یا به لحاظ بافت فرهنگی، مناطق سنتی، مدرن و فرامدرن را در نظر گرفت. از لحاظ میزان تمرکز اداری می توان شهر را به مناطق مرکزی، پیرامونی و نیمه پیرامونی تقسیم کرد و طبقه بندی های دیگری از این قبیل.

آنچه در این راستا، مورد سوال است این که بعضی مناطق از مشکل ناامنی رنج نمی برند و امنیت منطقه بالاست و بالعکس برخی مناطق شهری ایمنی کمتری دارند، علیرغم آن که تامین امنیت برای تمامی مناطق شهری اجرا می شود و پلیس و نیروهای انتظامی در کلیه مناطق شهر به انجام وظیفه مشغول هستند. برخی جامعه شناسان در پاسخ به عوامل متعدد جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اشاره داشته اند. از جمله محله ای که افراد بزه را در خود جای داده است و افراد مجرم در آن منطقه سکونت یا تردد زیادی دارند، ایمنی پایین تری دارد. یا مناطقی مانند بازار که تبادلات گسترده اقتصادی در آنها جریان دارد، بیشتر در معرض ناامنی قرار می گیرد.

اما آنچه در مقاله حاضر به آن پرداخته شده است، تاثیر اولویت امنیتی شهروندان در مناطق گوناگون شهری می باشد. برقراری امنیت برای شهروندان در کلیه فضاهای شهری تابع چه الگوهای امنیتی است؟ به طور مثال، آیا گشت پلیس در تمامی مناطق شهری ضروری است و موجب ایمنی می گردد؟ یا در برخی مناطق به ناامنی دامن می زند. به بیان دیگر، اولویت امنیتی در مناطق مختلف شهر یکسان است که به استناد آن بتوان از الگوی امنیت بخشی یکسان استفاده نمود؟ یا به حسب فضاهای شهری، اولویت امنیتی شهروندان تفاوت می پذیرد و برای تامین امنیت باید از الگوهای امنیتی متفاوت استفاده شود. به این ترتیب، در مقاله حاضر به نقش الگوهای امنیتی در تامین امنیت شهروندان در محیط های متنوع شهری پرداخته شده و ضمن تاکید بر تعامل و ارتباط تنگاتنگ میان رویه های امنیتی، ضرورت توجه به اولویت های امنیتی مناطق شهری در انتخاب الگوی امنیتی مورد ملاحظه قرار گرفته و نظر شهروندان مناطق مختلف شهر تهران در خصوص اولویت های امنیتی بررسی گردیده است.

پرسش های تحقیق

- ۱- فضای شهری دارای چه الگوهای محیطی و چه کاربری هایی است؟
- ۲- با توجه به کاربری فضاهای شهری، برقراری امنیت در شهر تابع چه الگوهای امنیتی است؟
- ۳- آیا اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر، تفاوت می کند؟
- ۴- تفاوت اولویت امنیتی شهروندان چه تاثیری در انتخاب الگوی امنیتی و امنیت شهری خواهد داشت؟

ادبیات تحقیق

الگوی داخلی هر شهری از لحاظ ترکیب خاص جزئیات آن منحصر به همان شهر است، با این حال بیشتر شهرها در این خصوصیت شریک اند که بخش های تجاری، صنعتی و مسکونی دارند. الگوی محیطی شهرها معمولاً متناظر با یکی از سه الگوی مناطق متحدالمرکز، قطعات و هسته های متکثر است.

نظریه «مناطق متحدالمرکز»^۱ را نخستین بار «ارنست برجس» مطرح کرد. برجس شهر را دارای یک رشته مناطق هم مرکز می دانست که هر منطقه آن به کار معینی اختصاص دارد و بخش خاصی از جمعیت شهر را در بر می گیرد. منطقه یک یا منطقه مرکزی، ناحیه تجاری مرکزی است. این منطقه کانون زندگی تجاری، مدنی، اداری، حمل و نقل است. منطقه دو، به منطقه انتقالی اطلاق می شود که ساختمان های رو به زوال دارد و انسجام اجتماعی در آن بسیار ضعیف است. زاغه های اصلی با محلاتی که در فقر و بیماری غوطه ورنند، در این منطقه قرار دارند. منطقه سه، محل سکونت صنعتگران منفرد و مستقلی است که از منطقه انتقالی گریخته اند ولی مایلند به راحتی به محل کارشان دسترسی داشته باشند. منطقه چهار نیز منطقه مسکونی است و سکونت گاه افراد طبقه متوسط است. منازلی که در هر کدام از آنها خانواده واحدی ساکن است، هم چنین ساختمان های آپارتمانی بسیار مرغوب در این منطقه قرار دارد. منطقه پنج، در حومه شهر قرار دارد و سکونت گاه افراد متوسطی است که هر روز برای کار به شهر رفت و آمد می کنند. این منطقه که در نواحی حومه یا شهرک های اقماری قرار دارد، محل نشو و نمای بناهای مسکونی درجه اولی است که در امتداد خطوط رفت و آمدهای سریع واقع شده اند (کوئن، ۱۳۷۰، ص ۲۳۳).

«تئوری قطاع»^۲ که توسط «هومر هویت»^۳ بیان شده است. فرض بر این است که شهرها از مرکز به اطراف به صورت بخش های مثلثی شکل مسکونی، تجاری، تفریحی و یا صنعتی توسعه می یابند. بنا براین تئوری، رشد در امتداد یک محور خاص حمل و نقل معمولاً سنخ های مشابهی از کاربرد زمین را در بر می گیرد. کل شهر در اینجا به منزله یک دایره در نظر گرفته می شود و نواحی مختلف به عنوان قطاعها از مرکز آن دایره به سمت بیرون ساطع می گردند. سنخ های مشابهی از کاربرد زمین نیز از نزدیکی مرکز دایره منشأ می گیرند و به سمت بیرون در جهت حاشیه هجرت می کنند. به عنوان مثال، یک ناحیه گران-فضای مسکونی که در ربع شرقی دایره شهر قرار گرفته-گرایش دارد به سمت بیرون هجرت کند، در حالی که موقعیت آن همواره در ربع شرقی برقرار می ماند. هجرت نواحی درجه بالای مسکونی به سمت بیرون و در امتداد خطوط معتبر رفت و آمد، خودنمایی خود را خصوصاً روی اراضی مرتفع به سمت دشت و منازل باز به موازات خطوطی که سریع ترین ترابری را دارند و به سمت هسته های موجود بناها یا مراکز تجاری و کسب و کار پیدا می کند (ورسلی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۷).

در نظریه «هسته های متکثر یا چندگانه»^۴ شهرها دارای تعدادی مناطق تخصصی هستند که هر یک از آنها هسته ای برای خود دارند. این مناطق تخصصی می تواند به دولت، تجارت یا صنعت اختصاص داشته باشند. در هر منطقه ای، هسته منطقه بر رشد و توسعه نواحی اطرافش تاثیر می گذارد. در بعضی شهرها این هسته ها از همان بدو پیدایش شهر

1-Concentric Zone Theory

2-Sector Theory

3-Homer Hoyt

4-Multiple Nuclei

وجود داشته‌اند، در برخی دیگر تطورشان در حالی صورت گرفته که رشد شهر موجبات جلب مهاجران و تخصصی شدن قسمت‌های مختلف را فراهم آورده است. هسته اولیه شهر می‌تواند بخش خرده‌فروشی در یک شهر دارای موقعیت مرکزی باشد، می‌تواند بندر با تاسیسات راه‌آهن در یک شهر جدا افتاده از بیشتر شهرهای دیگر باشد، یا شهری باشد مختص کارخانه، معدن یا ساحل و دریایی که کارکرد تخصصی دارد.

تعداد هسته‌ها از شهری به شهر دیگر فرق می‌کند. هر چه شهر بزرگتر باشد، تعداد هسته‌ها و تخصصی بودن آنها بیشتر است و بالعکس. به طور معمول در هر شهر بزرگ، بخش مرکزی کسب و کار، بخش عمده فروشی و صنایع سبک تولیدی، بخش صنایع سنگین، بخش مسکونی، حومه و شهرک‌های اقماری، هسته‌های غیر عمده شامل مراکز فرهنگی و پارک‌ها، از جمله بخش‌هایی هستند که حول هسته‌ها تطور پیدا کرده‌اند. اما در مجموع، بیشتر شهرها ترکیبی از سنخ‌های سه‌گانه را نمایان می‌کنند و کمتر می‌توان شهری را بر اساس یکی از سنخ‌های شهرنشینی در دنیای امروز پیدا نمود (ویر، ۱۳۶۹). درک این نکته در ارزیابی چشم انداز آتی کل شهر و ترتیبات اجزاء آن سودمند است.

با توجه به الگوهای محیطی، تهران کلان شهری است که بیشتر به نظریه هسته‌های متکثر یا چندگانه که دارای تعدادی مناطق تخصصی که هر یک از آنها هسته‌ای برای خود دارند، نزدیک است. با در نظر داشتن این الگوی محیطی برای تهران، آیا وجود مناطق مختلف شهر با کاربری‌های متفاوت، باعث ایجاد اولویت امنیتی متفاوت می‌شود؟ و در صورت وجود اولویت امنیتی، شهر تابع چه الگوهای امنیتی خواهد بود؟ به منظور پاسخ‌گویی، به مطالعه نظریات امنیتی پرداخته و بر اساس آن، اولویت امنیتی مناطق مختلف شهر تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی نظری

جامعه‌شناسی امنیت، علم نوپایی است که به تازگی اهمیت خود را در بین صاحب نظران جامعه‌شناسی پیدا کرده است. به همین جهت، بیشتر اصول موضوعه خود را از علوم سیاسی و ادبیات امنیتی در حوزه روابط بین الملل به عاریت گرفته است. از این رو، مطالعه نظریات امنیت، ملازم با بحث مکاتب امنیتی در نزد تئوریسین‌های امنیت خواهد بود. مکاتب امنیتی به سه دسته عمده و اساسی پوزیتیویست^۱، سازه‌انگاران^۲ و مکاتب پُست پوزیتیویست^۳ تقسیم شده‌اند (عبداله‌خانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳) که به ترتیب بر امنیت وجودی^۴، امنیت رفاهی^۵ و امنیت معنابخش^۶ تاکید دارند (سیف‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۵). این مکاتب، دارای صاحب نظران متعدد با چشم اندازهای نظری مخصوص به خود هستند که در عین داشتن اصول موضوعه مشترک، تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. اما در مقاله حاضر، مجال پرداختن به تمامی آنان نیست. بنابراین، به تعدادی از اصولی که موجب تمایز اساسی میان این سه مکتب عمده است، اشاره می‌رود. چنانکه در جدول زیر آمده است هدف، حوزه معنای امنیت، رویه و ابزارهای امنیتی به حسب مکاتب تفاوت می‌پذیرد، و هم چنین هر یک از این مکاتب درصدد تامین ایمنی برای جنبه خاصی از زندگی اجتماعی هستند.

1-Positivism
2-Constructivist Security Studies
3-Post Positivism
4-Existential Security
5-Welfare Security
6-Signifying Security

جدول شماره ۱: قلمرو امنیت به حسب مکاتب

امنیت	پوزیتیویست	سازه انگاران	پُست پوزیتیویست
هدف	بقا و حفظ وضع موجود	توسعه و تغییرات لازمه	بازیابی و بهزیستی
معنا	نظم بخشی	آسایش بخشی	آزاد پروری
رویه	مقابله و مبارزه با خطرات و تهدیدات	پیشگیری از آسیب ها آماده سازی امکانات	تولید منافع بازسازی سرمایه ها
ابزار	زور، قدرت، اجبار	اقتناع، توافق، گفت‌وگو	حمایت، مراقبت، مدارا
بُعد	امنیت وجودی	امنیت رفاهی	امنیت معنابخش

منبع: مطالعات علمی نگارنده

کنت والتز^۱، مورگنتا^۲، جان میرشایمر^۳، رندال شویلر^۴ از جمله نظریه پردازان مکتب پوزیتیویست به شمار می آیند. به اعتقاد این تئوریسین ها، امنیت با هدف حفظ و بقای وضع موجود، بر نظم بخشی استوار است. این مکتب پاسداری از وضع موجود را دال بر امنیت دانسته است. به این معنا که فرد، گروه، شهر، کشور و یا هر مرجع امنیتی دیگر، وقتی قادر به حراست و نگهداری از حیات خود باشد و بتواند هستی خویش را تضمین نماید، به امنیت دست یافته است (Neocleous, 2006). از این رو، پوزیتیویست ها بر امنیت وجودی تاکید دارند. امنیت در این وادی برابر و مترداف نظم تلقی شده است و هر چه بتوان محیط فرد و افراد جامعه را تحت قاعده و هنجارها به سوی برقراری نظم سوق داد، امنیت محقق می گردد. اطاعت افراد از قوانین رسمی جامعه و رفتار مبتنی بر عرف و رسوم جاری، نظم زندگی را تضمین می کند و امنیت برقرار می ماند. در این چشم انداز، حوزه معنایی امنیت با نظم اجتماعی هم پوشانی دارد (Balzacq, 2005).

به اعتقاد پوزیتیویست ها، برای تحقق نظم و امنیت باید با خطرات و تهدیداتی که مخل جان و حیات افراد جامعه می باشد، به مقابله پرداخت. مهمترین و اساسی ترین تهدیدات، جرایم و تخلفات هستند که نظم هنجاری جامعه را از بین برده و موجب آسیب به شهروندان می گردند. ابزارهای زور و قدرت کارآمدترین تجهیزات برای مقابله با خطرات در نظر گرفته شده اند (نویدینا، ۱۳۸۴). چنانکه پلیس با قدرت نظامی بالاتر، توان مقابله بیشتری با مجرمان را خواهد داشت و بالعکس هر چه تجهیزات نظامی و ادوات انتظامی کمتر باشد یا مدرن و جدید نباشد، از توان مقابله پلیس کاسته خواهد شد. به عبارت دیگر، برقراری امنیت در گرو توان مقابله با جرایمی است که جان افراد را نشانه رفته است و مانع از برقراری امنیت وجودی می باشد.

در کنار دیدگاه پوزیتیویستی، مکاتب سازه انگاران قرار دارد که به تعبیری حلقه واسط میان نظریات پوزیتیویست و پُست پوزیتیویستی است. ایمانوئل آدلر^۵، مایکل بارنت^۶، پیتر کاتزنشتاین^۷ و الکساندر ونت^۸ از جمله نظریه پردازان سازه انگار محسوب می گردند. به اعتقاد آنان امنیت را برابر آسایش دانسته و هر آنچه که موجبات دغدغه، تشویش و

1 - Kenneth Waltz
 2 - Hans Morgenthau
 3 - John Mearsheimer
 4 - Randall Schweller
 5 - Emanuel Adler
 6 - Michael Barentt
 7 - Peter Katzenstein
 8 - Alexander Wendt

از بین رفتن آسودگی و آرامش شود، ناامنی تلقی می کنند. از اینرو، تئورسین های سازه انگار، برای امنیت حوزه معنایی گسترده و وسیعی قائل هستند، به گونه ای که تمام شئون و ابعاد زندگی انسان را در برمی گیرد. آنان بر امنیت رفاهی تاکید دارند و با ایجاد بسترهای دستیابی به رفاه، امکانات و فرصت ها، نگرانی ها را زودوده و آرامش و آسایش را ایجاد می کنند (Sorensen, 2006).

سازهانگاران مقابله با جرایم را شرط لازم برای تحقق امنیت در نظر می گیرند، اما بیشتر بر پیشگیری از خطرات، تهدیدات و آسیب ها به عنوان شرط کافی تاکید دارند. آنان معتقدند در بسیاری از موقعیت های اجتماعی اگر مکانیسم های پیشگیری صحیح عمل نمایند، جرم و تخلفی رخ نخواهد داد و بر این امر تاکید می کنند که پیشگیری زمانی قادر به کاهش جرایم و خطرات است، که امکانات لازم آماده سازی شده باشند و در جهت هدف امنیتی برنامه ریزی و مدیریت شوند (نویدنی، ۱۳۸۸). با توجه به این چشم انداز، قدرت و زور بهترین و کارآمدترین ابزارهای امنیت بخشی نیستند و باید از ابزارهای ارتباطی و فرهنگی در کنار توان نظامی بهره جست. یعنی با آموزش، اطلاع رسانی، آگاهی بخشی از اضطراب، ترس، خطرات کاست و آسودگی و آرامش را بایادگیری رویه های پیشگیری فراهم نمود (Kilgour, 2009).
 پُست پوزیتیویست، به تعبیری در مقابل پوزیتیویست قرار دارد. پوزیتیویست ها بر خطرات عینی، تهدیدات فیزیکی، مقابله های سخت افزاری، رویه های نظامی گری تاکید دارند در حالی که در مقابل پُست پوزیتیویست ها، به جنبه های ذهنی و فرهنگی، تقابلات نرم افزاری و مناسبات تمدنی پرداخته و از حوائج مشترک چون تامین جان و مال گذر کرده و بر معنابخشی و شکوفایی زندگی معطوف هستند. از اینرو، امنیت معنابخش را مطرح می نمایند. به این جهت، حوزه معنایی امنیت در مکاتب پُست پوزیتیویست ها، جنبه خاص و ویژه انسانی پیدا کرده است که همانا آزادی و آزاد پروری است. به اعتقاد این نظریه پردازان، امنیت زمانی محقق می گردد که هر فرد انسانی آزاد به انتخاب راه و روش زندگی خویش است و هر آنچه را با تدبیر و اندیشه خویش جستجو می نماید، می تواند به دست آورد (سیف زاده، ۱۳۸۳). هیچ کس نمی تواند آزادی و اختیار را از انسان دریغ کند که در این حالت ناامنی بروز می کند. لذا، امنیت مترداف با آزادی است و وقتی انسان آزادانه به دنبال اهداف زندگی خویش است امنیت معنابخش تحقق گرفته است و بالعکس به هر دلیلی چون اجبار، ترس، مجازات و از این قبیل انسان عنان آزادی خویش را از دست دهد، امنیت نیز رخت بر بسته است (نویدنی، ۱۳۸۵).

استیو اسمیت^۱، استفن وات^۲، اشلی و والکر^۳، کاکس و گیل^۴ از جمله نظریه پردازان پُست پوزیتیویست هستند که بر ایجاد توانمندی، بالابردن ظرفیت های انسانی، پرورش استعداد های بشری تاکید دارند که شایسته زیستی را برای انسان به ارمغان می آورد و آزادی را در روح و جان او می پرورد. لذا، تولید بهره وری و افزایش منافع را در دستور کار خود دارند. این امر، به معنای غفلت از خطرات، تهدیدات و جرایم نیست، بلکه توجه بر جنبه های انسانی است که سایر مکاتب به فراموشی سپرده شده اند. بی عدالتی، فقر، نابرابری، تبعیض، خشونت از جمله مواردی هستند که موجب تهی شدن ارزش های انسانی از زندگی شده و به سلطه و اسارت انسان دامن می زنند و آزاداندیشی و آزاد

¹ - Steve Smith

² - Stephen Walt

³ - Ashley & Walker

⁴ - Cox & Gill

زیستی را می‌ربایند، این امور که ناامنی تلقی می‌شوند با قدرت نظامی و اعمال زور از بین نمی‌روند، بلکه باید با حمایت از نیروهای آسیب دیده و مراقبت از آنان، توان از دست‌رفته را به آنان بازگرداند و ضمن بازسازی سرمایه‌های انسانی به شیوه‌ها پشتیبانی و حمایت‌گری دامن زد، تا زمینه‌های بهزیستی فراهم شود (ماندل، ۱۳۷۹). لذا، این مکتب بیشتر از سایر مکاتب به وضعیت اقوام، اقلیت‌های مذهبی، زنان و کودکان، اقشار پایین، طبقات کارگری و کمپن‌ها، شرایط تحصیلی، سانسور و محدودیت‌های اطلاعاتی، وضعیت زندانیان پرداخته است.

با عنایت به مطالب فوق می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد، امنیت شهر در مفهوم تضمین آسودگی و آرامش شهر و تمام شهروندان، دارای دوایر و لایه‌های متعددی است که حداقل سه نیاز امنیتی عمده یعنی امنیت وجودی، رفاهی و امنیت معنابخش را در برمی‌گیرد، که این نیازها با سازوکارهای امنیتی مخصوص به خویش تامین می‌شوند. چنانکه امنیت وجودی در سایه مقابله با مجرمین به کمک ابزارهای زور و قدرت تحقق می‌گیرد که در مکاتب پوزیتیویستی مطرح است. امنیت رفاهی مورد بحث سازه‌انگاران، در بستر فراهم‌سازی امکانات و تسهیلات زندگی، درصد پیشگیری از آسیب‌ها برآمده و آسایش را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. امنیت معنابخش که پُست پوزیتیویست‌ها از آن سخن گفته‌اند، با حمایت و مراقبت از شهروندان به تولید و بازسازی سرمایه‌های انسانی پرداخته و آزاد زیستی را تحقق می‌بخشد. به عبارت دیگر، برای دستیابی به امنیت وجودی نمی‌توان از الگوی سازه‌انگاران استفاده نمود و برای داشتن امنیت رفاهی به سراغ برنامه‌های پوزیتیویست‌ها رفت. لازمه تامین هر نیاز امنیتی به کارگیری ابزارهای شناخت شده الگوی امنیتی مربوطه است.

باتوجه به مباحث نظری، تفکیک سازوکارهای امنیت وجودی، رفاهی و معنابخش نباید موجب غفلت از این حقیقت شود که داشتن شهری آرام و زندگی آسوده نیازمند تحقق و تامین هر سه دسته نیاز امنیتی نیست. آنچه باید در این راستا مورد توجه قرار گیرد آن‌که آیا تفاوت مناطق شهری موجب تفاوت در اولویت امنیتی آنان می‌شود؟ به بیان دیگر، آیا مناطق کسب و کار، مناطق مسکونی و مناطق فرهنگی و هنری که الگوهای کاربری متفاوتی از مناطق شهری هستند، دارای نیاز امنیتی یکسان و یکنواختی هستند یا به حسب ویژگی‌های منطقه اولویت امنیتی متفاوتی دارند؟

پاسخ به این سوال از آن جهت حائز اهمیت است که تفاوت ضریب امنیت مناطق را به حسب فعالیت‌های یکسان و همگرای پلیس و نیروهای امنیتی در مناطق مختلف شهر می‌توان پیدا کرد. چرا که شاهد هستیم پلیس فعالیت مشابه و همسویی را در برقراری امنیت اعمال می‌نماید، ولی موجب امنیت یکسان در تمامی مناطق شهری نیست. این امر حکایت از آن دارد که احتمالاً نیازهای امنیتی مناطق متفاوت هستند و باید بر اساس اولویت امنیتی و با استفاده از الگوهای امنیتی مرتبط با آنان، درصد امنیت بخشی برآمد.

متغیرهای تحقیق

به منظور بررسی اولویت امنیتی مناطق شهری، ابتدا از نظریات سه مکتب عمده پوزیتیویست، سازه‌انگاران و پُست پوزیتیویست‌ها در خصوص الگوهای امنیت و ارتباط آن با نیازهای امنیتی استفاده شده است. سپس با توجه به مبانی نظری که ایمن بودن شهر را در گرو میزان تامین اولویت‌های امنیتی مناطق شهری در نظر آورده است، واقعیت اجتماعی آن در افراد ساکن شهر تهران مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

امنیت وجودی^۱ حفظ و حراست از حیات مادی و فیزیکی افراد را در دستور کار خود دارد. امنیت وجودی جهت مقابله با خطرات، تهدیدات و جرایم باید محیط را تحت کنترل قرار داده تا بتواند با تشخیص زود هنگام خطرات، از ضرر و زیان های وارده جلوگیری نماید. یعنی در سایه کنترل های محسوس و نامحسوس، نظارت های مستقیم و غیرمستقیم قادر به مقابله با جرایم بوده و کنترل امور را به دست می گیرد. پس، هر چه نظارت و کنترل بیشتر باشد، ایمنی وجودی بیشتر تحقق می یابد (Paoline, 2007). در این تحقیق، امنیت وجودی توسط شاخص های زیرمورد اندازه گیری قرار گرفته است: میزان حضور پلیس در محل زندگی، اطمینان از عملکرد پلیس، میزان استفاده از دوربین ها و وسایل کنترلی نامحسوس، اطمینان از دستگیری و شناسایی بهنگام مجرمان، اطمینان از بی خطر بودن محل.

امنیت رفاهی^۲ عبارت است از تامین و تضمین شرایط مناسب زندگی که بر اساس سرمایه های فنی، انسانی، اخلاقی، اجتماعی و غیره تحقق می گیرد. یعنی هر چه امکانات فنی و تکنیکی افزایش گیرد، سطحی از رفاه ایجاد می گردد. هر چه مهارت ها، تخصص ها و دانش های انسانی بیشتر شود، بخش دیگری از رفاه چهره می گشاید و به همین منوال. لذا، هر عرصه سرمایه اعم از مادی و معنوی افزایش یابد، سطحی از رفاه نمایان خواهد شد (Schneider, 2008). در این تحقیق، امنیت رفاهی توسط میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، میزان بهره گیری از وسایل آموزشی، اطلاعاتی و بهداشتی، میزان آلودگی های صوتی، بصری و شنیداری، میزان سرمایه های انسانی و اجتماعی قابل دسترس.

امنیت معنابخش^۳ پاسداری از منش و هویت انسانی را در وجه معنوی و متعالی به دوش می کشد. امنیت معنابخش، با تکیه بر آزادی، برای هر دسته و گروهی که معنا و هدف مندی زندگی را بر مسیر و سبکی استوار نموده اند، ارزش قائل است و آنان را در انجام اعمال و مناسک خویش یاری می رساند. از اینرو، هر عاملی که هم کاری و مدارای بین گروه های مختلف را نابود کنند و هم زیستی بین آنان را به چالش کشد، تهدیدی برای امنیت معنابخش محسوب می گردد (Dunne & Wheeler, 2004). امنیت معنابخش توسط شاخص های زیر مورد اندازه گیری قرار گرفته است: شرکت در مناسک و آئین های مختلف دینی، اجتماعی، هنری، آزادی برپایی محافل و تجمعات گوناگون جهت بحث و گفتگو، انتقاد و نقادی گری، میزان استقبال و ترغیب به نو اندیشی و نو زیستی، میزان انتخاب سبک های غیرمرسوم زندگی و شیوه های غیرمتداول رفتاری از جمله در پوشش، آرایش، گفتار.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش کمی و تحلیلی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسش نامه استفاده شده است. پرسش نامه ها توسط پرسش گر تکمیل گردید. به منظور سنجش متغیر وابسته «اولویت امنیتی شهروندان» مقیاس ساخته شده بر مبنای پاسخ های پنج گزینه ای لیکرت تنظیم شد. برای سنجش متغیر مستقل «فضاهای مختلف شهری» به سه هسته اصلی شامل منطقه مسکونی اعم از مرفه و فقیرنشین، کسب و کار و تجارت، مراکز دانشگاهی و هنری نظر شده است.

¹ - Existential Security

² - Welfare Security

³ - Signifying Security

روایی صوری و محتوایی ابزار پژوهش با قراردادن چند نسخه از پرسش نامه در اختیار صاحب نظران و کارشناسان مربوطه پس از چند مرحله اصلاح و بازنگری بدست آمد. پایایی ابزار تحقیق نیز با انجام آزمون مقدماتی از ۱۴۴ نفر از افراد جامعه آماری با بهره گیری از آزمون آلفای کرونباخ بدست آمد.

جامعه آماری شامل افراد ساکن در مناطق مختلف شهر تهران می باشد. برای انتخاب مناطق نمونه از روش نمونه گیری هدفمند استفاده گردید و مناطق شهر تهران به حسب هدف تحقیق انتخاب شدند. منطقه بازار اصلی تهران و ادارات تابعه میدان مولوی به عنوان منطقه کسب و کار، منطقه چهار، یک و بیست و دو به عنوان منطقه مسکونی، منطقه دانشگاه تهران، شهید بهشتی و دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان مراکز آموزشی و دانشگاهی انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۸۴۸ برآورد گردید. افراد مورد بررسی حداقل به مدت دو سال در منطقه سکونت داشته، یا مشغول کار یا تحصیل بوده اند.

روش های آماری مورد استفاده در این تحقیق، پس از جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی انجام گرفت. جهت بررسی توزیع فراوانی در جداول، متغیر مستقل در سطح اسمی و در قالب کاربری منطقه (کسب و کار، مسکونی و آموزشی) و متغیر وابسته در سه بُعد امنیت وجودی، رفاهی و معنابخش در قالب (کم، متوسط، زیاد) آمده است. جهت آزمون تفاوت اولویت امنیتی مناطق، از آزمون F استفاده شده است.

یافته های تحقیق

مناطق شهری به لحاظ شرایط خاص محیطی که دارند در کم و کیف آسیب ها و خطراتی که آرامش و امنیت افراد را در معرض تهدید قرار می دهند، تفاوت ایجاد خواهند نمود، همچنین مناطق شهری با کاربری های متفاوت از نوع و شدت تهدیدات و خطرات متفاوتی رنج می برند. با توجه به اهمیت ویژگی های فضاهای شهری و تاثیر آن در امنیت بخشی، بین مناطق شهری و ابعاد امنیت شهروندان، تقاطع داده شد تا امکان مقایسه فراهم گردد. جدول فراوانی زیر میزان اولویت امنیت شهروندان را در مناطق کسب و کار، مسکونی و آموزشی نشان می دهد.

جدول شماره ۱: اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران

مناطق		کسب و کار		مسکونی		آموزشی		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
امنیت وجودی	کم	۲۵	۹٪	۳۲	۱۲٪	۵۱	۱۸٪	۱۰۸	۱۳٪
	متوسط	۱۵۳	۵۳٪	۱۳۳	۴۸٪	۱۲۸	۴۵٪	۴۱۴	۴۹٪
	زیاد	۱۱۲	۳۸٪	۱۱۰	۴۰٪	۱۰۴	۳۷٪	۳۲۶	۳۹٪
امنیت رفاهی	کم	۷۶	۲۶٪	۱۱	۴٪	۵۲	۱۸٪	۱۳۹	۱۶٪
	متوسط	۱۴۲	۴۹٪	۸۶	۳۱٪	۱۱۱	۳۹٪	۳۳۹	۴۰٪
	زیاد	۷۲	۲۵٪	۱۷۸	۶۵٪	۱۲۰	۴۲٪	۳۷۰	۴۴٪
امنیت معنابخش	کم	۱۴۶	۵۰٪	۶۷	۲۴٪	۱۲	۴٪	۲۲۵	۲۶٪
	متوسط	۱۲۷	۴۴٪	۱۰۵	۳۸٪	۹۰	۳۲٪	۳۲۲	۳۸٪
	زیاد	۱۷	۶٪	۱۰۳	۳۷٪	۱۸۱	۶۴٪	۳۰۱	۳۶٪
جمع		۲۹۰	۱۰۰٪	۲۷۵	۱۰۰٪	۲۸۳	۱۰۰٪	۸۴۸	۱۰۰٪

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

چنانکه در جدول شماره (۱) مشاهده می‌گردد، اولویت امنیتی در مناطق مختلف تفاوت می‌کند. به طور مثال، منطقه کسب و کار، اولویت به امنیت وجودی را ۵۳٪ متوسط و ۳۸٪ زیاد ارزیابی کرده است. در حالی که ۲۵٪ امنیت رفاهی را زیاد در نظر گرفته و ۶٪ امنیت معنابخش را برآورده کرده است. نیاز به امنیت رفاهی در مناطق مسکونی ۶۵٪ زیاد به دست آمده است، در مقابل ۴۰٪ امنیت وجودی و ۳۷٪ امنیت معنابخش. اولویت در مناطق آموزشی با امنیت معنابخش است که ۶۴٪ کمیت زیاد، در مقابل ۴۲٪ امنیت رفاهی و ۳۲٪ امنیت وجودی زیاد قرار دارد. پس میان مناطق مختلف شهری به لحاظ اولویت امنیتی رابطه معنی داری وجود دارد. یعنی ویژگی های فضای شهری در نیاز امنیتی تاثیر گذار بوده است.

البته تعیین اولویت امنیتی به معنای بی‌اهمیت بودن یا کم‌اهمیت بودن ابعاد امنیت شهری نیست. چنانکه امنیت وجودی به لحاظ ماهوی چون حراست و مراقبت از حیات مادی و فیزیکی انسان را به عهده دارد، قطعاً مهمتر از امنیت رفاهی است که راحتی و آسودگی را تضمین می‌نماید. بدون امنیت وجودی تصور حیات غیرممکن است، ولی بدون امنیت رفاهی حیات جریان دارد، ولی با سختی و مشکلاتی که آسودگی را می‌ربایند. بنابراین، به لحاظ ضرورت، امنیت وجودی در مرتبه اول قرار دارد و امنیت رفاهی و معنابخش به ترتیب در مقام دوم و سوم اهمیت قرار می‌گیرند. یعنی شهر ابتدا باید از سطح قابل قبولی از امنیت وجودی برخوردار باشد، تا سپس بتوان به امنیت رفاهی پرداخت و در نهایت از امنیت معنابخش سخن راند. در وجود سلسله مراتب برای سطوح امنیت جای شک و تردیدی نیست. آنچه در جدول فوق نشان داده شده است، توجه به اولویت امنیتی مناطق شهری است که با فرض وجود حد مقبولی از امنیت شهری صورت گرفته است. یعنی زمانی که سامانه اجتماعی پایدار است و امنیت در سطح زندگی و تعاملات روزانه جریان دارد، کدام نیاز امنیتی در اولویت قرار می‌گیرد.

توجه به اولویت امنیتی نیز از آن رو دارای اهمیت است که نیازهای امنیتی نیز مانند سایر نیازها دارای ظرفیت و حد اشباعی هستند. یعنی برای بالا بردن امنیت شهر و تضمین زندگی رضایت بخش شهروندان، تامین امنیت وجودی و بیشتر نمودن قابلیت های آن تا حدی ممکن است. پس از استقرار و بهره‌مندی تمامی افراد از امنیت وجودی، لازم است به ابعاد دیگر امنیت پرداخت. به عبارت دیگر، تمامی نیازهای امنیتی شهروندان در نیاز به حفظ وجود و زنده ماندن خلاصه نمی‌شود و نیازهای دیگری نیز مطرح هستند. پس باید به کلیه درخواست ها توجه داشت و هر کدام را به حسب نیاز و اولویت منطقه بر اساس الگوها و رویه‌های امنیتی مربوط به خود فراهم نمود. چرا که هر الگوی امنیتی برای تامین هر نیاز امنیتی کارآمد نبوده و ساز و کارهای مخصوص به خود را می‌طلبد. چنانکه برای تحقق امنیت وجودی، استفاده از الگوی امنیتی پُست پوزیتیویست یا سازه‌انگاران ناکارآمد است و بالعکس بهره‌گیری از الگوی پوزیتیویست موجب تامین امنیت رفاهی نخواهد بود. لذا، برای برقراری امنیت مناطق شهری، ابتدا باید به اولویت امنیتی مناطق توجه داشت و بر مبنای آن الگوهای امنیتی مناسب را به کار گرفت.

برای تعیین معنی داری رابطه بین فضاهای شهری و اولویت های امنیتی از آزمون F استفاده شده است.

جدول شماره ۲: تحلیل واریانس اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران

منبع تغییرات		SS	درجه آزادی	MS	F.	سطح معنی داری
امنیت وجودی	بین گروه ها	۱۷/۸۰۰	۳	۵/۹۳۳	۱۷/۸۳۵	۰/۰۰
	درون گروه ها	۱۳۸/۳۹۱	۸۴۴			
	جمع	۱۵۶/۱۹۰	۸۴۷			
امنیت رفاهی	بین گروه ها	۴/۴۹۵	۳	۲/۸۳۲	۷/۵۵۳	۰/۰۰
	درون گروه ها	۱۵۵/۹۶۹	۸۴۴	۰/۳۳۳		
	جمع	۱۶۴/۴۶۴	۸۴۷			
امنیت معنابخش	بین گروه ها	۷۳۵۳۹	۳	۲/۵۱۳	۴/۵۴۰	۰/۰۰۴
	درون گروه ها	۲۳۰/۲۵۸	۸۴۴	۰/۵۵۴		
	جمع	۲۳۷/۷۹۸	۸۴۷			

منبع: مطالعات میدانی نگارنده

با توجه به سطح معنی داری که در جدول فوق آمده است، می توان گفت مناطق کسب و کار، مسکونی و آموزشی که دارای کاربری های مختلفی هستند، از لحاظ اولویت دادن به امنیت وجودی، رفاهی و امنیت معنابخش با هم تفاوت دارند. یعنی کاربری های فضاهای شهری از امنیت تأثیر می پذیرد و مناطق مختلف شهر دارای اولویت های امنیتی متفاوت هستند.

نتیجه گیری

شهرهای امروزی به حسب شاخص های گوناگون توسعه مورد ارزیابی قرار می گیرند و میزان پیشرفت و مطلوبیت آنان محک زده می شود. امنیت نیز از موارد مهم و حائز اهمیت است که بر اساس آن می توان به قضاوت راجع به شرایط شهر و محل زندگی افراد جامعه پرداخت. امنیت شهری از مسائلی است که با تزايد رو به افزایش تفاوت مناطق شهری به تازگی از حساسیت خاصی برخوردار شده است. چرا که همچنان که محیط های شهری گسترش می یابد و مناطق تخصصی تر می گردند، نیازهای امنیتی شهروندان نیز تنوع پذیرفته و الگوهای امنیت بخشی رویه های گوناگونی را شامل می شود.

بر این اساس، در مقاله حاضر به دنبال پاسخ گویی به چهار سوال، سعی شد به وضعیت امنیت در مناطق مختلف شهر تهران پرداخته شود. برای آشنایی با شهر و فضای شهری، و پاسخ به سوال فضای شهری دارای چه الگوهای محیطی و چه کاربری هایی است؟ با مروری بر ادبیات شهری نتیجه گرفته شد، که گرچه الگوهای محیطی شهرهای کلان، ترکیبی از سه الگوی مناطق متحدالمرکز، قطاعی و هسته های متکثر می باشند، اما فضای محیطی تهران به هسته های متکثر نزدیک تر است.

در پاسخ به سوال دوم، برقراری امنیت در شهر تابع چه الگو یا الگوهای امنیتی است؟ به نظریات صاحب نظران سه مکتب عمده امنیتی پوزیتیویست، سازه انگاران و پُست پوزیتیویست که بر سه بُعد امنیت وجودی، رفاهی و امنیت معنابخش تأکید دارند، پرداخته شد. بر اساس چهارچوب نظری، نتیجه گیری شد که برای تأمین امنیت شهروندان یک رویه و الگوی امنیتی کفایت نمی کند و برای تضمین ابعاد گوناگون امنیت لازم است به رویه های مخصوص به آن توجه نمود.

برای پاسخگویی به سوال سوم تحقیق یعنی آیا اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر که دارای کاربری‌های متفاوت هستند، تفاوت دارد؟ پیمایشی در بین افراد ساکن در مناطق مختلف شهر تهران صورت گرفت و اولویت امنیتی شهروندان در مناطق مختلف شهر تهران بررسی گردید. نتیجه به دست آمده حکایت از آن داشت که نیازهای امنیتی به طور یکسان و یکنواخت در تمامی مناطق شهری پراکنده نیستند، بلکه هر منطقه به حسب ماهیت خویش از اولویت امنیتی برخوردار است. چنانکه امنیت وجودی برای مناطق کسب و کار در اولویت قرار داشت، مناطق مسکونی امنیت رفاهی، و مراکز آموزشی و هنری امنیت معنابخش را در اولویت دانسته‌اند و بالاخره در پاسخ به سوال چهارم، تفاوت اولویت امنیتی شهروندان چه تاثیری در انتخاب الگوی امنیتی و امنیت شهری خواهد داشت؟ نتیجه گرفته شد که هر بُعد امنیت، به شیوه‌های خاصی برقرار و تامین می‌شود و بدون آگاهی از نیاز امنیتی چگونه می‌توان به استفاده از الگوی امنیتی جهت تامین امنیت مناطق مختلف شهر مبادرت نمود. چنانکه برای برقراری امنیت وجودی که در پی حراست از جان و مال شهروندان است، باید از کنترل و نظارت‌های مستقیم، محسوس و نامحسوس بهره گرفت و به مقابله با مجرمان پرداخت. اما در برقراری امنیت رفاهی که به آسودگی و آسایش شهروندان نظر دارد، رویه‌های پیشگیری در دستور کار قرار دارند، و امنیت معنابخش بر ایجاد و حفظ سرمایه‌ها مبتنی است. بنابراین، نمی‌توان با الگوی پوزیتیویست‌ها که بر امنیت وجودی تاکید دارند، به برقراری امنیت رفاهی که بر اساس الگوهای سازه‌انگاران فراهم می‌شود، پرداخت یا با الگوی پست پوزیتیویست‌ها که به تحقق امنیت معنابخش نظر دارند، به امنیت وجودی دست یافت. هر بُعد امنیت دارای ساز و کارهای مخصوص به خود است که توسط الگوهای مختلف قابل دسترسی خواهد بود.

منابع

- سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۳). *معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عبداله خانی، علی (۱۳۸۳). *نظریه‌های امنیت*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- کوئن، بروس (۱۳۷۰). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر، ماندل، رابرت (۱۳۷۹). *چهره متغیر امنیت ملی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نویدنیای، منیژه (۱۳۸۴). *چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی*. تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم، ص ۵۸-۳۵.
- _____ (۱۳۸۵). *تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تاکید بر گونه‌های امنیت*. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره اول، ص ۷۲-۵۳.
- _____ (۱۳۸۸). *امنیت اجتماعی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸.
- وبر، ماکس (۱۳۷۳). *شهر در گذر زمان*. ترجمه شیوا کاویانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ورسلی، پتر (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی مدرن (جلد دوم)*، ترجمه حسن پویان، تهران: انتشارات چاپخش.
- Balzacq, Thierry, (2005). *The Three Faces of Securitization: Political Agency, Audience and Context*. **European Consortium for Political Research**, 11(2):p171-201.
- Dunne, Tim and Nicholas J. Wheeler, (2004). "We the Peoples': Contending Discourses of Security in Human Rights Theory and Practice" **International Relations**, 18 (1):p 9-23.
- See Guzzini, Stefano/jung, Dietrich, (2004). **"Contemporary Security Analysis and Copenhagen Peace Research"**, London/ UK: Routledge.

- Kilgour, John, (2009). "Social Security and the Public Sector", **Compensation Benefits Review**, 41(3): 34- 42.
- Neocleous, Mark, (2006). "From Social to National Security: On the Fabrication of Economic Order", **Security Dialogue**, 37 (3): 363-384.
- Paoline, Eugene A. III and William Terrill, (2007) "Police Education, Experience, and the Use of Force", **Criminal Justice and Behavior**, 34 (2): 179-196.
- Schneider, Cathy Lisa, (2008) "Police Power and Race Riots in Paris", **Politics Society**, 36 (1): 133-159.
- Sørensen, Georg, (2006) "What Kind of World Order? A Response to Critics", Cooperation and Conflict: **Journal of the Nordic International Studies Association**, 41 (4): 393-402.